

با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرف‌هایی که متأسفانه همه‌ی دنیا با تکیه به آن‌ها دور خودشان یک حصار می‌کشند، ثابت کنیم... نه! ما برای خودمان، عزت را بر اساس اعتقاد و ایمان توحیدی - که خاصیت و شاخصه‌ی تفکر اسلامی است - و دل بستن به خدا و محبت به بندگان و خلائق الهی و لزوم خدمت به آن‌ها قایلیم. هر ملتی ذخیره‌ای دارد. ملت ما هم ذخایر خیلی فراوانی دارد؛ ذخایر فرهنگی، پرونده‌ی بسیار درخشان در صحنه‌ی علم جهانی، در صحنه‌ی سیاست جهانی، در صحنه‌های گوناگون. ما بنای فخرفروشی نداریم. اگر خوبی، برای خودت هستی؛ اگر پولداری، برای خودت هستی؛ اگر قدرتمندی، برای خودت هستی؛ ارتباطات با ما، ارتباطات و علائق انسان با انسان است. بنابراین، عزت یعنی تحمیل هیچ‌کس را قبول نکردن.

حکمت، یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. هیچ‌گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هر آنچه که مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است، راه داد. همه چیز باید سنجیده باشد. آدم نباید هر چه به دهانش آمد، بگوید. باید ملاحظه کنیم که آیا این سخن با موازین منطقی و خرد منطبق است، یا منطبق نیست. اگر منطبق نیست، آن را کنترل کنیم. باید حکیمانه برخورد کنیم. فقط در حرف زدن نیست؛ در معاشرت‌ها و برخوردها هم باید حکیمانه برخورد کرد. البته حکمت، به معنای نگفتن نیست. بعضی می‌گویند حالا که حرف نسنجیده نباید زد، پس چرا باید حرف زد؟! گویی که هیچ کار سنجیده نمی‌شود کرد! نه، اگر گفتیم ما باید حکیمانه کار کنیم، معنایش این نیست که پس کار نکنیم، تماس نگیریم، حرکت نکنیم، حرف نزنیم، مبادا غیرحکیمانه درآید!

مراد، مصلحت شخص من و شما نیست، که اگر ما این اقدام را کردیم، ممکن است برایمان گران تمام بشود. نه، گران هم که تمام بشود، مگر ما که هستیم؟ اگر کاری به مصلحت کشور و به مصلحت انقلاب است، ولی به مصلحت شخص من نیست، گو مباش؛ چه اهمیتی دارد؟ مصلحت، یعنی مصلحت انقلاب، و این مصلحت همه‌جانبه است؛ یعنی از رفتار شخصی ما شروع می‌شود.

دیدار با مسؤولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۰۴/۱۸

منبع: khamenei.ir



## فرهنگ سند چشم‌انداز

## چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه‌ی جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل.

جامعه‌ی ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی.

برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه‌ی اجتماعی در تولید ملی.

امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.

برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب.

فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مخترع به ایرانی بودن.

دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه‌ی کارآمد، جامعه‌ی اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی(ره).

دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

ملاحظه: در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه، این نکته مورد توجه قرار گیرد که شاخص‌های کمی کلان آن‌ها از قبیل نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله‌ی درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و توانایی‌های دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاست‌های توسعه و اهداف و الزامات چشم‌انداز، تنظیم و تعیین گردد و این سیاست‌ها و هدف‌ها به صورت کامل مراعات شود.



دست بودن معنوی، لازمه‌ی قطعی این چنین پیشروی‌ای است؛ و این جایز نیست. بنابراین، ما باید علم را خودمان تولید کنیم و آن را بجوشانیم. هر پله‌ای از پله‌ها که انسان در مدارج علم بالا برود، او را آماده می‌کند برای برداشتن گام بعدی و رفتن به یک پله‌ی بالاتر. این حرکت را بایستی ما از خودمان، در درون خودمان، با استفاده‌ی از منابع فکری و ذخائر میراث فرهنگی خودمان ادامه بدهیم و داشته باشیم.

دیدار جمعی از برجستگان و نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۷/۰۷/۰۳

یک ملت، با اقتدار علمی است که می‌تواند سخن خود را به گوش همه‌ی افراد دنیا برساند؛ با اقتدار علمی است که می‌تواند سیاست برتر و دست‌والا را در دنیای سیاسی حائز شود. اقتصاد هم به دنبال این‌ها به دست می‌آید؛ پول تابع توانایی‌هاست. امروز این طوری است؛ علم را می‌شود به پول تبدیل کرد و از لحاظ اقتصادی هم قوی شد. این، جایگاه علم است.

دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق(علیه‌السلام) ۱۳۷۴/۱۰/۲۹

## الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام

امروز دنیای اسلام احساس می‌کند به یکپارچگی احتیاج دارد. سران اسلامی باید همت کنند. ما در جمهوری اسلامی وظیفه‌ی سنگینی بر دوش داریم. امروز چشم دنیای اسلام به ملت ایران است. هر حادثه‌ای که در ایران به وجود آید - اعم از حوادث مثبت یا منفی - ملت‌های مسلمان به سوی آن گردن می‌کشند و با دقت آن را مورد مطالعه قرار می‌دهند؛ از آنچه نشانه‌ی پیروزی و موفقیت ملت ایران است، عمیقاً شادمان و از آنچه از آن احساس خطر شود، به شدت نگران می‌شوند. این امروز تقریباً در همه‌جای دنیای اسلام - به‌خصوص میان قشرهای آگاه و روشنفکر - عمومی است.

خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۹/۱۵

## اصول عزت، حکمت و مصلحت

عزت و حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست. عزت: «الاسلام یعلو و لایعلی علیه»، «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً». ما نمی‌خواهیم عزت‌مان را

فرزند «ایران اسلامی» هستند که پرچم اسلام را در دنیا برافراشته است.

سخنرانی در جمع مردم ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۷

### جنبش نرم‌افزاری و تولید علم

بنده چند سالی است که مسأله‌ی نهضت نرم‌افزاری را در محیط علمی کشور مطرح کرده‌ام. این، یعنی چه؟ یعنی ما نباید به فراگیری قانع باشیم؛ باید هدف تحقیق و آموزش ما تولید علم باشد؛ یعنی رسیدن به آن جایی که نوآوری‌های علمی در فضای موجود بشری، از آن جا شروع می‌شود. ما از لحاظ استعداد، نسبت به کسانی که دانش را در دنیا تولید کردند، گسترش دادند، پیش بردند و بر اساس دانش، فن‌آوری‌های پیچیده را به وجود آوردند، کمبود نداریم. البته تولید علم به معنای این نیست که ما ترجمه و فراگیری را نفی کنیم؛ نه، آن هم لازم است، بلکه من می‌گویم در ترجمه و فراگیری نباید توقف کرد.

دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۲/۰۸/۰۸

تولید علم - یعنی شکستن مرزهای علم و پیشرفت کردن - با تحصیل علم و تبحر در علم تفاوت دارد؛ ما اولی را نیاز داریم. نه این که به دومی نیاز نیست، اما دومی کافی نیست. این که نوشته و تحقیق و فرآورده‌ی ذهن دانشمندان در زمینه‌ی علوم مختلف - چه علوم انسانی، چه علوم تجربی - بیاید و خوب دانسته شود و همین‌ها محور تشخیص و معرفت نهایی انسان شود، چیز مطلوبی نیست. ما می‌بینیم که در زمینه‌های مختلف، تحقیق و پژوهش و رسیدن به نظریه در دنیای مادی و دنیای غرب، مبنای قابل قبول و مورد اعتمادی نبوده؛ به‌خصوص در زمینه‌ی علوم انسانی، که در علوم تجربی و در فناوری هم اثر خودش را نشان می‌دهد. نگاه اسلام به انسان، به علم، به زندگی بشر، به عالم طبیعت و به عالم وجود، نگاهی است که معرفت نوینی را در اختیار انسان می‌گذارد.

دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۳/۹/۲۶

نباید ما در مسئله‌ی علم، واگن خودمان را به لوکوموتیو غرب ببندیم. البته اگر این وابستگی ایجاد بشود، یک پیشرفت‌هایی پیدا خواهد شد؛ در این شکی نیست؛ لیکن دنباله‌روی، نداشتن ابتکار، زیر

### برنامه‌ریزی

وقتی برنامه وجود دارد، باید همه به عنوان چارچوب کار بپذیرند. تمام دستگاه‌های دولتی و مجلس و قضایی و نظامی، باید این کار برایشان ارزش باشد و مسابقه برای این که بخش‌های گوناگون برنامه، حتی زودتر از زمان پیش‌بینی شده تحقق پیدا کند، راه بیافتد. یکی از خصوصیات برنامه، «زمان» است که باید در وقت یا زودتر از وقت، تحقق پیدا کند.

دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام ۱۳۶۸/۱۱/۰۹

{اگر} این رودخانه‌ی فیاض مواج را به حال خود رها کنید؛ روی آن فکر نکنید؛ برای آن برنامه‌ریزی نکنید و قدر آن را ندانید. نتیجه چه می‌شود؟ نه تنها مزارعی خشک خواهد شد و باغستان‌هایی از بین خواهد رفت، بلکه خود این آب هم هدر خواهد رفت. در بهترین شکل، آب این رودخانه وارد آب‌های شور خواهد شد و هرز خواهد رفت. شکل دیگرش این است که به باتلاق و مرکز تجمع انواع و اقسام آفت‌ها تبدیل شود. شکل بدترش این است که به یک سیل تبدیل شود و همه‌ی دستاوردهای ملت را تخریب کند. اگر برنامه‌ریزی و دقت و کار نشد، این نتایج را به دنبال خواهد داشت.

دیدار با جوانان و فرهنگیان در مصالای رشت ۱۳۸۰/۰۲/۱۲

### توسعه یافتگی

ما دنبال چه نوع توسعه‌ی هستیم؟ این نکته‌ی اساسی، در بحث‌های اقتصادی و غیراقتصادی جاری است. کسانی دنبال این هستند که حرفی را پرتاب کنند و ذهن مردم را از مسائل اصلی دور نگه دارند: مدل چینی، مدل ژاپنی، مدل فلان. مدل توسعه در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، موارث و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است؛ از هیچ‌جا نباید تقلید کرد؛ نه از بانک جهانی، نه از صندوق بین‌المللی پول، نه از فلان کشور چپ، نه از فلان کشور راست؛ هرچا اقتضایی دارد. فرق است بین استفاده کردن از تجربیات دیگران، با پیروی از مدل‌های تحمیلی و القایی و غالباً هم منسوخ.

دیدار نمایندگان هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۳/۰۳/۲۷

باید توجه کنیم که ما هم توسعه محوریم، هم عدالت محور. ما طبق برخی از سیاست‌هایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن، فکر نکنیم؛ نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و این‌ها با هم متنافی نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند این‌ها با هم نمی‌سازند و یا باید این را انتخاب کرد یا آن را، قبول نداریم. این نکته باید در همه‌ی موارد، هم در کاهش حجم دولت، هم در مسأله‌ی خصوصی‌سازی، هم در نگاه کلی به مسائل اقتصادی و هم در تقسیم منابع میان بخش خصوصی و بخش تعاونی و بخش دولتی رعایت شود.

دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۳/۰۶/۰۴

### هویت اسلامی و انقلابی

ملت ایران احساس هویت می‌کند؛ هویت اسلامی که هویت ایرانی هم نشأت گرفته‌ی از همین هویت اسلامی است. احساس می‌کند که ایران اسلامی همان هویت گمشده‌ای است که بایستی این ملت دوباره آن را به دست بیاورد و بر اساس او، آرمان‌های خود را معین و برنامه‌ریزی کند و تلاش و مجاهدت خود را شکل دهد. این کاری است که ملت ما به خوبی انجام داده است و دارد انجام می‌دهد. من این آیه‌های یاسی را که بعضی پی در پی تکرار می‌کنند، مطلقاً قبول ندارم و آن‌ها را انکار می‌کنم. من با اطلاع از مسائل گوناگون کشور بزرگ و ملت عظیم‌الشأنمان بالعیان می‌بینم که این ملت و جوانان این ملت با گذشت زمان و تقریباً سه دهه از آغاز پیروزی انقلاب، نسبت به مبانی انقلاب عمیق‌تر، پخته‌تر و مجرب‌تر شده‌اند.

دیدار مردم شهرستان کازرون ۱۳۸۷/۰۲/۱۶

چه کار می‌خواهیم بکنیم؟ این دگرگونی‌ای که می‌خواهیم ایجاد کنیم، به چه معناست؟ جای آنچه که می‌خواهیم دگرگون کنیم، چه می‌خواهیم بگذاریم؟ این‌ها مهم است. و در این راه، کار و تلاش، شرط اول است. پس، ثبات اجتماعی باقی می‌ماند؛ به خاطر اینکه ریشه‌ها و اصالت‌ها و ساختارهای

{مردم باید} وحدت و یگانگی و همدلی میان خود را هم یک اصل مسلم و تخلف‌ناپذیر بدانند. بدانید این ملتی که اراده و ایمان خود را معیار کار خود قرار داده و به کار گرفته است، این ملتی که هویت خود را شناخته و به آن تکیه کرده است، سرنوشت او جز عزت و سربلندی و اقتدار روزافزون، چیز دیگری نیست. در راه رسیدن به این قله‌ی پرشکوه، باید همه با هم همکاری کنند؛ همه به یکدیگر نیروی بیشتر بدمند: «و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر»

دیدار با نظامیان ۱۳۸۵/۰۸/۲۰

### مفتخر به ایرانی بودن

ما ایرانی هستیم و باید ایرانی بمانیم. ما مسلمانیم و باید مسلمان باشیم. آن‌ها بیشتر از ما علم دارند؛ خوب، ما می‌رویم علمشان را یاد می‌گیریم؛ چرا باید عادات و فرهنگ و رفتار و آداب معاشرت آن‌ها را یاد بگیریم؛ این چه منطق غلطی است؟ چون آن‌ها به دلیلی باید چیزی به نام کراوات دور گردنشان ببندند - که البته ما نمی‌گوییم شما چرا کراوات می‌بندید؛ کراوات مال آن‌هاست - آیا ما هم باید از آن‌ها تقلید کنیم؟ منطق ما برای این کار چیست؟ چرا ما لباس و رفتار و آداب معاشرت و حرف زدن و حتی لهجه‌ی آن‌ها را تقلید کنیم؟ من گاهی می‌بینم در تلویزیون گزارشگر ما از فلان نقطه‌ی دنیا دارد به زبان فارسی گزارش می‌دهد و مطلب مربوط به ایران است اما زبان فارسی را طوری حرف می‌زند مثل این که یک انگلیسی دارد به زبان فارسی حرف می‌زند! این، ضعف نفس و احساس حقارت است؛ چرا من باید به خاطر ایرانی بودنم احساس حقارت کنم؟ من به زبان خودم افتخار می‌کنم؛ من به فرهنگ خودم افتخار می‌کنم؛ من به وطن و کشور و گذشته‌ی خودم افتخار می‌کنم؛ چرا باید از آن‌ها تقلید کنم؟ برای تقلید از آن‌ها دلیلی ندارم.

دیدار جوانان، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۷

شما هر جا نگاه می‌کنید، تبلیغات قوم‌گرایی و مبالغه در این مسأله را مشاهده می‌کنید. اگر کاوش کنید، دست دشمن را در آن‌جا خواهید دید. دشمن این را می‌خواست؛ اما غافل بود که ملت ایران پیش از همه چیز، ایرانی است. ترک و فارس و کرد و عرب و بقیه‌ی اقوام ایرانی، افتخار می‌کنند که

کند؛ تا ما که کشوری هستیم به‌طور طبیعی از طبیعت خوب و مناسب برخوردار - به‌رحال امکانات اقلیمی هست و آنچه تخریب شده است، به‌دست بشر تخریب شده است - بتوانیم از این امکانات استفاده کرده و آن‌ها را زیاد کنیم و نگذاریم آن منابع از بین برود.

دیدار وزیر و مسؤولان جهاد سازندگی در هفته‌ی منابع طبیعی ۱۳۷۷/۱۲/۱۴

شیوه‌های ناصحیح و غیر عادلانه در تعامل با طبیعت و آلوده ساختن محیط زیست در کشورمان نشان‌دهنده‌ی فقدان آگاهی‌های زیست‌محیطی و ضعف ساز و کارهای قانونی در صیانت از محیط زیست و جلوگیری از آلوده ساختن آن است. برای از بین بردن این نقیصه‌ی بزرگ و اساسی باید آگاهی افراد نسبت به مسائل زیست محیطی افزایش یابد و مدیریت‌های کلان در ایجاد ساختار مناسب همراه با الزامات قانونی برای رعایت حقوق عمومی تلاش کنند و انگیزه‌ها و حساسیت‌ها را برای مقابله با آلاینده‌ها بالا ببرند.

پیام به مناسبت برگزاری همایش حقوق محیط زیست ایران ۱۳۸۲/۰۳/۲۰

### روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی

روح همکاری و همیاری در میان ملت ما - که سنت قدیمی و دستور عالی اسلام است - چیز بسیار ارزشمندی است؛ آن را حفظ کنید و به‌خصوص در ایام عید و ایام ماه مبارک رمضان، آن را بیشتر اهمیت بدهید. روحیه‌ی مردم‌دوستی، روحیه‌ی ایثار و از خودگذشتگی، برای دیگران فکر کردن و کار کردن، روحیه‌ای است که ملت ما را به نتایج و غایات این حرکت خواهد رسانید.

پیام به ملت شریف ایران، به مناسبت حلول سال نو ۱۳۷۰/۰۱/۰۱

از لحاظ ساخت و ارتباطات اجتماعی مردم در زمینه‌ی اقتصاد و بقیه‌ی موارد، ارتباط مردم با یکدیگر، باید ارتباطات سالم، قوی و نشان‌دهنده‌ی پیشرفت و شکوفایی باشد؛ باید استعدادها در آن جامعه بشکفت. همه‌ی انسان‌ها بتوانند در آن با توان خداداده‌ی خود در پیشبرد اهداف زندگی، به یکدیگر کمک و با هم همکاری کنند.

دیدار با مردم شاهرود ۱۳۸۵/۰۸/۲۰

اصلی و هویت ملی محفوظ است. هویت ملی هم که می‌گوییم، ملیت در مقابل دین نیست، بلکه هویت ملی هر ملت، مجموعه‌ی فرهنگ‌ها و باورها و خواست‌ها و آرزوها و رفتارهای اوست. یک ملت مذهبی، یک ملت موحد، یک ملت مؤمن و یک ملت معتقد به پاکان درگاه الهی و اهل بیت پیغمبر است؛ این جزو فرهنگ و هویتشان است؛ هویت ملی که می‌گوییم، شامل همه‌ی این‌ها هست؛ این‌ها را حفظ کنیم. حالا برای تغییر بخش‌های غلط، کارهای غلط و راه‌های غلط، تلاش و پویایی لازم است.

دیدار دانشجویان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸

### مردم‌سالاری دینی

مردم‌سالاری در نظام اسلامی، مردم‌سالاری دینی است؛ یعنی به نظر اسلام متکی است؛ فقط یک قرارداد عرفی نیست. مراجعه به رأی و اراده و خواست مردم، در آن جایی که این مراجعه لازم است، نظر اسلام است؛ لذا تعهد اسلامی به وجود می‌آورد. مثل کشورهای دموکراتیک غربی نیست که یک قرارداد عرفی باشد تا بتوانند به راحتی آن را نقض کنند. در نظام جمهوری اسلامی، مردم‌سالاری یک وظیفه‌ی دینی است. مسؤولان برای حفظ این خصوصیت، تعهد دینی دارند و پیش خدا باید جواب دهند. این یک اصل بزرگ از اصول امام بزرگوار ماست.

سخنرانی در اجتماع زائران حرم امام خمینی (ره) ۱۳۸۱/۰۳/۱۴

امروز بهترین چیزی که ممکن است ما بتوانیم برای تصحیح اخلاق و رفتار و منش خودمان - یعنی مسؤولان کشور - ملاک قرار دهیم، مردم‌سالاری دینی است؛ همین چیزی که بارها گفته‌ایم و تکرار شده است. نباید اشتباه شود؛ این مردم‌سالاری به ریشه‌های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد. این یک چیز دیگر است. مردم‌سالاری دینی دو چیز نیست؛ این طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه‌ی کامل داشته باشیم؛ نه. خود این مردم‌سالاری هم متعلق به دین است.

دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

در منطق اسلام، اداره‌ی امور مردم و جامعه، با هدایت انوار قرآنی و احکام الهی است. در قوانین آسمانی و الهی قرآن، برای مردم شأن و ارج معین شده است؛ مردم هستند که انتخاب می‌کنند و سرنوشت اداره‌ی کشور را به دست می‌گیرند. این مردم‌سالاری، راقی‌ترین نوع مردم‌سالاری‌ای است که امروز دنیا شاهد آن است؛ زیرا مردم‌سالاری در چارچوب احکام و هدایت الهی است. انتخاب مردم است، اما انتخابی که با قوانین آسمانی و میرای از هرگونه نقص و عیب، توانسته است جهت و راه صحیحی را دنبال کند.

مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی ۱۳۸۰/۰۵/۱۱

در نظام اسلامی - یعنی مردم‌سالاری دینی - مردم انتخاب می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و سرنوشت اداره‌ی کشور را به وسیله‌ی منتخبان خودشان در اختیار دارند؛ اما این خواست و انتخاب و اراده در سایه‌ی هدایت الهی، هرگز به بیرون جاده‌ی صلاح و فلاح راه نمی‌برد و از صراط مستقیم خارج نمی‌شود. نکته‌ی اصلی در مردم‌سالاری دینی این است. این هدیه‌ی انقلاب اسلامی به ملت ایران است. این تجربه‌ی جدید و جوانی است؛ اما تجربه‌ی قابل تأمل و پیگیری و قابل تقلیدی است برای همه‌ی کسانی که دلشان برای فضیلت‌ها و جامعه‌ی پاک و پاکیزه‌ی انسانی می‌تپد و از جرائم و رذائل اخلاقی و رواج زشتی‌های خلیقات بشری رنج می‌برند.

مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی ۱۳۸۰/۰۵/۱۱

## عدالت اجتماعی

آنچه که در این بین بایستی با وسواس و دقت دنبالش باشید، مسأله‌ی «عدالت اجتماعی» است که با رشد و توسعه هم سازگار است. بعضی این طور تصور می‌کردند - شاید حالا هم تصور کنند - که ما بایستی دوره‌ای را صرف رشد و توسعه کنیم و وقتی که به آن نقطه‌ی مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی می‌پردازیم. این فکر اسلامی نیست. «عدالت» هدف است و رشد و توسعه مقدمه‌ی عدالت است. آن روزی که در کشور عدالت اجتماعی نباشد، اگر بتوانیم باید آن روز را تحمل نکنیم. اگر می‌بینید که در کشور هنوز تفاوت و فاصله‌ی طبقاتی وجود دارد و هنوز کسانی در فقر و

اما شکاف طبقاتی به این صورت و با این عمق، برای مردم و انقلابیون مسلمان و برای رهبر آن‌ها قابل قبول نبود.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۰۲/۲۳

مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این، پایه‌ی مشروعیت ماست. الان درباره‌ی مشروعیت حرف‌های زیادی زده می‌شود، بنده هم از این حرف‌ها بلدم؛ اما حقیقت قضیه این است که اگر ما دنبال عدالت نباشیم، حقیقتاً من که این‌جا نشسته‌ام، وجود نامشروع خواهد بود؛ یعنی هرچه اختیار دارم و هرچه تصرف کنم، تصرف نامشروع خواهد بود؛ دیگران هم همین‌طور. ما برای عدالت و رفع تبعیض آمده‌ایم. ما آمده‌ایم جامعه را از مواهب الهی خودش - که مهم‌ترین مواهب الهی در عدالت وجود دارد - و همچنین مواهب اخلاقی و معنوی برخوردار کنیم. البته معنای این حرف این نیست که ما از زندگی دنیایی مردم غفلت کنیم.

دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۲/۰۶/۰۵

## محیط زیست مطلوب

نگاه اسلام به طبیعت و محیط - اعم از جان‌دار و بی‌جان - عاطفی، اخلاقی، معنوی و هدایت‌گراانه است و برخورداری از مواهب طبیعی نیز بر پایه‌ی اصولی متین، عادلانه، حکیمانه، متوازن و سازنده استوار گردیده است. هدف متعالی اسلام برخوردار ساختن همه‌ی نسل‌ها از نعمت‌های الهی و ایجاد جامعه‌ای سالم و به‌دور از فاصله‌ی طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزمات شرعی برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی با پرهیز از زیاده‌روی و مقید به عدم اضرار به غیر فراهم آورده است.

پیام به مناسبت برگزاری همایش حقوق محیط زیست ایران ۱۳۸۲/۰۳/۲۰

برای ما مسأله‌ی محیط زیست یا حفظ منابع طبیعی، مسأله‌ای تجملاتی و درجه‌ی دو نیست؛ یک مسأله‌ی حیاتی است. در تلاش ما برای توسعه‌ی کشور، اولویت باید در این بخش باشد. تکیه هم باید روی این بخش باشد. حتی گرایش به صنعت باید با توجه به این بخش باشد تا کشور بتواند استفاده

تبرج، یعنی همان خودنمایی زنان در مقابل مردان، برای جذب و فتنه‌انگیزی. این، یک نوع فتنه است و خیلی اشکالات دارد. اشکالش فقط این نیست که این دختر جوان، یا این پسر جوان به گناه می‌افتند - این اولیش است؛ شاید بتوانم بگویم کوچک‌ترینش است - دنباله‌اش به خانواده‌ها می‌رسد. اساساً آن‌گونه رابطه‌ی بی‌قید و شرط و بی‌قید و بند، برای بنای خانواده سم مهلک است؛ چون خانواده با عشق زنده است. اصلاً بنای خانواده با عشق است. اگر این عشق - عشق به زیبایی، عشق به جنس مخالف - در صد جای دیگر تأمین شد، دیگر آن پشتوانه‌ی قوی‌ای که استحکام خانواده باید داشته باشد، از بین خواهد رفت و خانواده‌ها متزلزل می‌شود و به همین وضعی درمی‌آید که امروز متأسفانه در کشورهای غربی هست؛ به‌خصوص در کشورهای اروپای شمالی و امریکا.

گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان ۱۳۷۷/۰۲/۰۷

### به دور از فقر و تبعیض

«اللهم اغن كل فقير. اللهم اشع كل جائع. اللهم اكس كل عريان». این دعا فقط برای خواندن نیست؛ برای این است که همه خود را برای مبارزه با فقر و مجاهدت در راه ستردن غبار محرومیت از چهره‌ی محرومان و مستضعفان موظف بدانند. این مبارزه، یک وظیفه‌ی همگانی است. در آیات قرآن می‌خوانیم: «أرأيت الذي يكذب بالدين. فذلك الذي يدع اليتيم؛ و لا يحض علی طعام المسكين». یکی از نشانه‌های تکذیب دین این است که انسان در مقابل فقر فقیران و محرومان بی‌تفاوت باشد و احساس مسؤولیت نکند.

خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۰۹/۱۵

مردم به دنبال عدالت و رفع شکاف طبقاتی و رفع فقر بودند. این هم یکی از ارزش‌هایی بود که مردم دنبالش بودند. این مقوله‌ی دیگری غیر از عدالت است. در جامعه، کسی یا مجموعه‌ای در اوج غنا و برخورداری؛ اما یک عده‌ی دیگر از اولیات زندگی محروم. این چیزی است که هرکسی از آن مشتمن می‌شود و آن را نمی‌پسندد. مردم به دنبال رفع شکاف طبقاتی و نزدیک کردن فاصله‌ها بودند. ما مثل کمونیست‌ها ادعا نمی‌کردیم که همه بیابند نان خور دولت شوند و ما به همه حقوق مساوی بدهیم؛ نه.

محرومیت هستند، به خاطر این است که مسئولان کشور بیش از این نمی‌توانند. خرابی‌ای که در سالیان طولانی به وجود آمده، عمیق‌تر و بیشتر از آن است که در طول این مدت کوتاه بشود آن را برطرف کرد، والا اگر بتوانیم یک روز هم نباید تحمل کنیم.

دیدار با رئیس‌جمهور و هیأت وزیران ۱۳۷۴/۰۶/۰۸

آنچه در دنیا کمیاب است - که این همه دشمنی را به خودش جذب کرده - حکومت ارزش‌های دینی است؛ پیدا شدن دین است؛ یعنی اصرار بر تحقق عدالت اجتماعی. این که ما می‌گوییم، شعار نیست؛ حقیقت و هویت ماست. ما اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ و بیهوده است و جمهوری اسلامی معنی ندارد. باید عدالت اجتماعی را تحقق ببخشیم؛ باید ارزش‌های اسلامی را در جامعه پیاده کنیم؛ باید جامعه را، جامعه‌ی دینی و اسلامی کنیم.

دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۳/۰۸/۰۶

عدالت به معنای یکسان بودن همه‌ی برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصت‌هاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه‌ی عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند.

دیدار با مردم شاهرود ۱۳۸۵/۰۸/۲۰

بدیهی است که بدون معنویت و بدون عقلانیت، عدالت تحقق پیدا نمی‌کند؛ این را قبلاً هم عرض کرده‌ایم. اگر معنویت نشد، عدالت تبدیل می‌شود به ظاهرسازی و ریاکاری؛ اگر عقلانیت نشد، عدالت اصلاً تحقق پیدا نمی‌کند و آن چیزی که انسان تصور می‌کند عدالت است، می‌آید و جای عدالت واقعی را می‌گیرد. بنابراین معنویت و عقلانیت در تحقق عدالت شرط است. اما بدون عدالت، پیشرفت مفهومی ندارد و بدون پیشرفت هم عدالت مفهوم درستی پیدا نمی‌کند؛ باید هم پیشرفت باشد و هم عدالت. اگر بخواهید الگو بشوید و این کشور برای کشورهای اسلامی الگو بشود، بایستی گفتمان حقیقی و هدف‌والایی که همه برای او کار می‌کنند، این باشد.

دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲

## آزادی‌های مشروع

اسلام، آزادی را امر فطری انسان می‌داند. بله؛ یک حق است، اما حقی برتر از سایر حقوق؛ مثل حق حیات، حق زندگی کردن. همچنان که حق زندگی کردن را نمی‌شود در ردیف حق مسکن و حق انتخاب و... گذاشت - برتر از این حرف‌هاست، زمینه‌ی همه‌ی این‌هاست - آزادی هم همین‌طور است. این، نظر اسلام است. در اسلام، «آزادی» ریشه‌ی الهی دارد. خود این، یک تفاوت اساسی است و منشأ بسیاری از تفاوت‌های دیگر می‌شود. بنابر منطق اسلام، حرکت علیه آزادی، حرکت علیه یک پدیده‌ی الهی است؛ یعنی در طرف مقابل، یک تکلیف دینی به وجود می‌آورد. تفاوت دیگر این است که آزادی در تفکر لیبرالیسم غربی، با «تکلیف» منافات دارد. آزادی، یعنی آزادی از تکلیف نیز. در اسلام، آزادی آن روی سکه‌ی «تکلیف» است. اصلاً انسان‌ها آزادند، چون مکلفند. اگر مکلف نبودند، آزادی لزومی نداشت؛ مثل فرشتگان بودند.

مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۷۷/۰۶/۱۲

آزادی درست و آزادی معقول، مهم‌ترین هدیه‌ی دین به یک ملت و به یک جامعه است. به برکت آزادی است که اندیشه‌ها رشد پیدا می‌کند و استعدادها شکوفا می‌شود. استعداد، ضد استعداد است. هر جا استعداد باشد، شکوفایی استعداد نیست. اسلام، شکوفایی انسان‌ها را می‌خواهد. منابع عظیم انسانی بایستی مثل منابع طبیعی استخراج شوند، تا بتوانند دنیا را آباد کنند. بدون آزادی مگر ممکن است؟ با امر و نهی مگر ممکن است؟ بنابراین، این فکر هم غلط است که کسانی این‌گونه فکر کنند. این دو دسته‌ی غرب‌گرایان و احتیاط‌کنان - این‌طوری اسمشان را بگذاریم - در واقع بدون این که خودشان بدانند، با هم هم‌دستی می‌کنند تا مفهوم «آزادی» را کاملاً از حوزه‌ی اسلامی خارج کنند؛ در حالی که چنین چیزی نیست و مفهوم «آزادی» یک مفهوم اسلامی است.

مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۷۷/۰۶/۱۲

آزادی، هم دادنی است، هم گرفتنی است، هم آموختنی است. «آزادی دادنی است» یعنی چه؟ یعنی مسؤولان حکومت‌ها اجازه ندارند حق طبیعی آزادی - یعنی آزادی‌های قانونی - را از کسی سلب

دوران هشت‌ساله‌ی جنگ و دو سال حالت نه جنگ و نه صلح در زندگی ملت ما، تجربه‌های بسیار کم‌نظیر و کمیاب و آموزنده‌ای هستند؛ از آن‌ها باید درس گرفت و نباید آن‌ها را فراموش کرد. روزه‌روز و ساعت‌به‌ساعت آن سالیان دشوار، برای ما درس است؛ اما در عین استفاده از آن تجربه‌ها، امروز همه‌ی ابتکار و تلاش و مدیریت مدیران نیروهای مسلح - چه ارتش و چه سپاه - باید در ایجاد یک نظم و ترتیب و کیفیت بخشیدن و آماده‌سازی کامل نیروهای مسلح صرف بشود، تا همواره قدرت دفاعی ملت در چشم دشمنان و همچنین در چشم دوستان - که از قدرت جمهوری اسلامی احساس قدرت می‌کنند - در اوج قدرت باقی بماند.

سخنرانی در جمع دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه علوم نظامی ۱۳۶۹/۰۷/۱۴

## نهاد مستحکم خانواده

مسأله‌ی مادری، مسأله‌ی همسری، مسأله‌ی خانه و خانواده، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است. در همه‌ی طرح‌هایی که ما داریم، بایستی «خانواده» مبنا باشد. یعنی شما اگر بزرگترین متخصص پزشکی یا هر رشته‌ی دیگری بشوید، چنانچه زن خانه نباشید، این برای شما یک نقص است. کدبانوی خانه شما باید باشید؛ اصلاً محور این است. اگر بخواهیم تشبیه ناقصی بکنیم، باید به ملکه‌ی زنبور عمل تشبیه کنیم.

کانون خانواده، جایی است که عواطف و احساسات باید در آن جا رشد و بالندگی پیدا کند؛ بچه‌ها محبت و نوازش ببینند؛ شوهر که مرد است و طبیعت مرد، طبیعت خام‌تری نسبت به زن است و در میدان خاصی، شکننده‌تر است و مرهم زخم او، فقط و فقط نوازش همسر است - حتی نه نوازش مادر - باید نوازش ببیند. برای یک مرد بزرگ، این همسر کاری را می‌کند که مادر برای یک بچه‌ی کوچک آن کار را می‌کند؛ و زنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند. اگر این احساسات و این عواطف محتاج وجود یک محور اصلی در خانه - که آن، خانم و کدبانوی خانه است - نباشد، خانواده یک شکل بدون معنا خواهد بود.

دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان و جمعی از زنان پزشک متخصص ۱۳۷۰/۱۰/۰۴

اقتصادی، امنیت اخلاقی و امنیت فرهنگی هم به وجود خواهد آمد.

دیدار مسؤولان، قضات و کارکنان قوه قضاییه ۱۳۸۲/۰۴/۰۷

### سرمایه اجتماعی

جمعیت جوان و با استعداد ما، یک فرصت دیگر است. مایه‌ی تأسف است که بعضی‌ها از کثرت افراد جوان در کشور ما به‌عنوان یک نعمت یاد نمی‌کنند؛ در حالی که این بزرگ‌ترین سرمایه است. این همه جوان تشنه‌ی کار و فعالیت، چیز بسیار باارزشی است.

دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۰۵/۱۵

تکیه‌ی نظام اسلامی به قدرت مردم است. قدرت مردم هم با ایمان آن‌هاست؛ اگر مؤمن باشند، دفاع خواهند کرد؛ اما اگر پایه‌ی ایمان سست شد، این پشتیبانی و این دفاع به مرور از بین خواهد رفت. بنابراین چیزی که ایمان و اعتقاد راسخ مردم را هدف گرفته است، نباید دست کم گرفت.

دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۸۰/۰۶/۱۵

### سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی

اگر این ملت می‌خواهد در مقابل تهدیدها با قدرت بایستد، باید بخش‌های مختلف، حرکت سازنده را ادامه دهند و نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران، در بخش‌های گوناگون، روزبه‌روز خود را تقویت کنند. ملتی که نمی‌تواند از خودش دفاع کند، دشمن را نسبت به خود جری و گستاخ خواهد کرد. ما باید بتوانیم از خودمان دفاع کنیم تا دشمن احساس کند که به این ملت نمی‌شود زور گفت و بر آن چیزی را تحمیل کرد...

عزیزان من! این نکات را به گوش بگیرید! کار را - به فضل پروردگار- با قدرت به پیش ببرید. روزبه‌روز بر کیفیت خودتان بیفزایید و بدانید: هر کس که برای کیفیت ارتش یا سایر نیروهای مسلح تلاش کند، حرکت انقلابی و حسنه انجام داده است. هر کس هم در جهت رفتن کیفیت در ارتش یا دیگر نیروهای مسلح تلاش کند، به سود دشمن کار کرده و دل او را شاد نموده است.

سخنرانی در مانور بزرگ ولایت ۱۳۷۵/۰۳/۰۳

کنند. البته این لطفی نیست که حکومت‌ها می‌کنند؛ باید آزادی را بدهند و این یک وظیفه و تکلیف است. «آزادی گرفتنی است»، یعنی هر انسان آگاه و باشعوری در جامعه باید با حق آزادی و حدود خودش آشنا باشد و آن را مطالبه کند و بخواهد. و اما «آزادی آموختنی است»، یعنی آزادی آداب و فرهنگی دارد که باید آن را آموخت. بدون فرهنگ و ادب آزادی، این نعمت بزرگ برای هیچ کس و هیچ جامعه‌ای - چنان که شایسته است - فراهم نخواهد شد. اگر در جامعه، ادب آزادی وجود نداشته باشد و افراد چگونگی استفاده‌ی از آن را ندانند، مطمئن باشند آزادی را - که برای یک جامعه‌ی فعال و کوشا و پیشرو یک ضرورت است - از دست خواهند داد و از نظر اسلام این برای یک جامعه فاجعه است... با آزادی نباید بازی کرد. کسانی که نام آزادی را می‌آورند، ولی به فرهنگ آزادی مطلقاً پایبند و متعهد نیستند، به آزادی ضربه می‌زنند. این‌ها طرفدار آزادی نیستند. این‌ها به آزادی خیانت می‌کنند. آزادی نباید وسیله‌ی قانون‌شکنی و تیشه زدن به ریشه‌ی نظام جمهوری اسلامی باشد.

پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

### حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها

امروز در بعضی از گفته‌ها و اظهارات، راجع به شأن و شخصیت و شرف و کرامت انسان در جامعه حرف زده می‌شود. این بلاشک از اصول اسلامی است؛ اما کدام نقض کرامت انسانی بالاتر از این که انسانی، رئیس عائله‌ای، پدر خانواده‌ای، در جامعه‌ای که در آن همه چیز هم هست، نتواند اولیات زندگی فرزندان خودش را تأمین کند؟! کدام تحقیر از این بالاتر است؟! کدام نقض شخصیت و شرف و کرامت انسانی از این بالاتر است؟! صبح تا شب کار کند، آخرش به من یا به شما یا به آن مسؤول دیگر نامه بنویسد که من دو ماه است به خانه‌ام گوشت نبرده‌ام! یک‌وقت در جامعه گوشت و میوه نیست، من و شما هم نمی‌خوریم؛ یک‌وقت در جامعه امکانات رفاهی نیست، من و شما هم استفاده نمی‌کنیم؛ یک‌وقت ایام عید که می‌شود، فرزندان من و شما هم لباس نو بر تن نمی‌کنند. در این حالت کسی احساس سرشکستگی نمی‌کند - البلیه إذا عمت طابت - اما وقتی همه چیز هست، وقتی کسانی در جامعه با استفاده از فرصت‌های نامشروع توانسته‌اند برای خودشان آلاf و الوف و زندگی‌های تجملی فراهم کنند، وقتی طبقاتی در جامعه هستند که برایشان پول خرج کردن هیچ

اهمیتی ندارد، جمع کثیری از مردم که در بین آن‌ها رزمندگان و عناصر نظامی و کارمندان دولت و معلمان و روستاییان و مردم مناطق محروم و دور و مناطق جنوب هستند، نتوانند نان و پنیر بچه‌هایشان را فراهم کنند، کدام شکستن شخصیت و شرف انسانی از این بالاتر است؟! شما می‌خواهید جواب چه کسی را بدهید؟ شما می‌خواهید دل چه کسی را خوش کنید؟ شما می‌خواهید چه کسی از شما راضی باشد؟

دیدار نمایندگان دوره‌ی ششم مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۹/۰۳/۲۹

شاخص دوم، اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم است؛ هم کرامت انسان، هم تعیین کننده بودن اراده‌ی انسان. در مکتب سیاسی امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه‌ی ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره‌ی سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند.

مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۸۳/۰۳/۱۴

### امنیت اجتماعی و قضایی

امنیت، یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای یک ملت و یک کشور است. مهم‌ترین مشکل برای یک کشور وقتی به وجود می‌آید که در محیط کار، در محیط زندگی، در محیط تحصیل و در فضای عمومی جامعه، مردم احساس امنیت نکنند. این جاست که مغزهای فعال، دست‌های توانا و سرانگشتان ماهر، هیچ‌یک نخواهند توانست مسؤولیت مهمی را که هر کدام بر دوش دارند، به انجام برسانند. در فضای امنیت است که هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم روحیه و نشاط و هم همه‌ی فعالیت‌های یک کشور می‌تواند به‌درستی برنامه‌ریزی شود و با دقت دنبال گردد و به نتایج خود برسد.

مراسم فارغ‌التحصیلی جمعی از پرسنل نیروی انتظامی ۱۳۷۹/۰۷/۱۸

امنیت مقوله‌ای است که هم کاملاً واقعی و ملموس و هم بسیار گسترده است. وقتی امنیت وجود دارد، ممکن است کسی آن را احساس نکند؛ مثل سلامتی که وقتی هست، شما آن را احساس نمی‌کنید؛ اما به مجرد این که خدای نکرده سرتان درد گرفت، آن گاه می‌فهمید که سلامتی یعنی چه. فرمود:

«نعمتان مکفورتان الصحه و الأمان». به مجرد این که گوشه‌ای از امنیت مخدوش شود، اثر آن در زندگی مردم منعکس می‌گردد. بنابراین امنیت، کاملاً عینی و واقعی است و با ذهنیات نمی‌شود آن را تأمین کرد. این فلسفه‌بافی‌های ذهنی‌ای که گاهی مشاهده می‌شود، باب محافل روشنفکری، یا حداکثر باب جلسات کارشناسی است که بنشینند راجع به ابعاد ذهنی یک مسأله بحث کنند. مردم واقعیت امنیت را می‌خواهند؛ آن هم در همان پهنه‌ی گسترده؛ یعنی امنیت در محیط کار، در خانه، برای بچه‌هایشان در مدرسه، برای بچه‌هایشان در میدان فوتبال، امنیت برای جاده‌ها، روستاها، شهرها و خیابان‌ها. تأمین امنیت، باری کاملاً سنگین و بسیار جدی است و این بار متوجه شماست.

دیدار اعضای شورای تأمین استان‌ها ۱۳۷۹/۱۱/۲۵

برای ایجاد امنیت باید هدف‌گذاری کنید؛ بر اساس هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی کنید؛ بر اساس برنامه‌ریزی، عمل کنید؛ بعد عمل خودتان را اندازه‌گیری کنید؛ آن‌هم نه اندازه‌گیری زبانی، بلکه اندازه‌گیری با شاخص. در مقام حرف، همه می‌توانند بگویند ما امنیت را برقرار کردیم، یا ناامنی مستقر است؛ اما شما با آمارهای دقیق و صحیح، اول برای خودتان مشخص کنید تا بفهمید کجای راه و کجای میدان قرار دارید.

دیدار اعضای شورای تأمین استان‌ها ۱۳۷۹/۱۱/۲۵

مسأله‌ی امنیت قضایی هم که در برخورد و مراجعه و مواجهه با دستگاه قضا، مردم احساس امنیت کنند، بسیار مهم است. این نگاه بسیار دقیق و حساس و جستجوگر را در درون قوه‌ی قضاییه می‌طلبند. بحمدالله... ما در قوه‌ی قضاییه، قضات پاکدامن، شریف، دانا، مسلط بر کار و باوجدان خیلی داریم. الحمدلله بدنه‌ی قوه‌ی قضاییه، بدنه‌ی بسیار خوبی است؛ منتها در هر مجموعه‌ای باید همیشه انسان این بیم را داشته باشد که آدم‌های سست بنیاد، سست عقیده و سست عمل حضور دارند. از این احتمال نباید صرف نظر کرد؛ باید دائم مثل دوربینی که با نورافکن محوطه‌ای را جستجو می‌کند، چشم‌های جستجوگر مسؤولان عالی قوه، در داخل قوه‌ی قضاییه جستجو کند؛ آن‌گاه امنیت قضایی به معنای واقعی کلمه به وجود آید. اگر امنیت قضایی به وجود آمد، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت